

ساز

■ شاید اشتباه از ماست

■ روایتی از ۱۳ آبان

■ مصاحبه با دبیر اسبق جاد گلستان

■ حزب الهی نما





جامعه اسلامی دانشجویان
دانشگاه گلستان

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی همیاری
سال چهارم | شماره هشتم | آبان ۱۳۹۷

فهرست مطالب

۴ سرمقاله

۵ شاید اشتباه از ماست

۶ روایتی از ۱۳ آبان

۸ مصاحبه با دبیر اسبق جاد گلستان

۱۰ حزب الهی نما

صاحب امتیاز:

جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه گلستان

مدیر مسئول:

احمد فیروز بخش

سر دبیر:

نغمه فدوی

هیات تحریریه:

نغمه فدوی - فاطمه محسن نژاد - فاطمه ساجدی

فرزانه صادقی - فاطمه استارمی

احمد فیروز بخش - علی قاری - امیررضا وریج کاظمی

امید سیاوش پور

صفحه آرایی:



(گروه طراحی و چاپ دانشجویگراف)

جهت ارتباط با ما و ارائه پیشنهادات و انتقادات خود

به آدرس زیر در صفحات اجتماعی مراجعه نمایید:

@jadgolistan



سرمقاله

سی و نه سال پیش در چنین روزی (سیزدهم آبان ۱۳۵۸ هجری شمسی) دانشجویان ایران در اعتراض به توطئه‌های متعدد آمریکا ضد انقلاب اسلامی ایران، لانه جاسوسی (سفارت) آمریکا را در تهران تسخیر کردند.

۱۳ آبان، یادآور سه رویداد مهم در سه برهه حساس از تاریخ انقلاب اسلامی ایران است.

این سه رویداد مهم، «سالروز تبعید حضرت امام خمینی (ره) به ترکیه (۱۳ آبان / سال ۱۳۴۳ هجری شمسی)»، «کشتار دانش آموزان توسط رژیم پهلوی (۱۳ آبان / ۱۳۵۷ - روز دانش آموز)» و «حرکت انقلابی تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران توسط دانشجویان پیرو خط امام خمینی (ره) بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی ایران» هر یک نقطه عطفی در روند استکبارستیزی ملت ایران است.

روز ۱۳ آبان، یادآور حوادث مهمی است که در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و بیرون راندن مظهر استکبار یعنی آمریکا از ایران نقش اساسی داشتند.

هشتمین شماره نشریه دانشجویی همیاری به صاحب امتیازی جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه گلستان نیز به موضوع روز استکبارستیزی اختصاص پیدا کرده است.

✍ احمد فیروز بخش
(قائم مقام جاد گلستان)

شاید اشتباه از ماست

دوست داره مارو خب . دوس داره ۲۲۰ هزارتا شهید بدیم تا عاقبت به خیر بشیم.
دوس داره ۱۰۰ هزار قربانی بمب شیمیایی بدیم تا قدر عافیت رو بدونیم.
هویتشه که ناواشو بفرسته خلیج فارس. با یکی از همون ناوها پرواز ۶۵۵ مارو منهدم کنه.
شاید میخواستنه که مردم نرن دبی.
زشته آخه ۲۵۵ نفر برن دبی، تازه ۶۶ تاشون بچه بودن و آینده دار.
هویتشه که دورتادور مارو پایگاه نظامی دایر کنه.
مدیونید فکری غیر از اینکه نگران امنیت ما هست بکنید.
هویتشه که از مجاهدین خلق حمایت کنه. از لیست گروه های تروریستی خارجش کنه. گناه دارن خب، فقط ۱۷ هزار نفر رو مرحوم کردن، چیزی نیست که، بازی اشکنک داره سر شکستنک داره.
هویتشه که از هر روشی برای دخالت استفاده کنه.
نفوذ ، تحریم ، تروریسم ، مذاکره و...
مدیونین فک کنین دخالتش باعث تخریب میشه ها، باعث توسعه میشه باو .
واقعا شاید اشتباه از ما بود.
شوخیش هم جالب نیست ...

می خوام اینبار خیلی صریح بگم فک ها بیافته.
تا آخرش فقط با دقتی که رو قافش دوتا تشدید داره بخونین ...
واقعا چرا باید انقدر جوگیر بشیم...
انقدر تو بعضی جو های مسموم و غلیظ بمونیم که کلا راهمون رو گم کنیم، یادمون بره قرار بود کجا بریم، با کی بریم، برای چی بریم؟
شاید واقعا ما اشتباه می کنیم که پا رو پرچم یه کشور دیگه میزاریم.
پرچمی که نشانه هویت یک کشوره.
هویتشه که از ۳۰۰ سال پیش تا الان به ۷۰ کشور حمله نظامی کرده.
خب حتما می خواسته به مردم این ۷۰ تا کشور کمک کنه.
هویتشه که ۸۰ کودتا علیه نظام های قانونی جهان ترتیب داده.
هویتشه که با یکی از این کودتا ها نظام پهلوی پدر رو سرنگون کرده، به انتخاب خودش پسر رو بجای پدر نشاند، نفت کشور رو تاراج کرده.
تازه همه روشنفکرین هم می دونند که تاراج نوعی از تجارته.
هویتشه که یه سازمان خیلی پر فایده تو کشورمون تاسیس کنه.
سازمانی که امنیت و اطلاعات کشور رو تضمین که هیچ تقدیم کنه.
تازه از این اسم باحالا هم داشته باشه... ساواک(!)
هویتشه که بعد از انقلاب مردم ، جمهوریت مارو قبول نداشته باشه، غصه مارو بخوره، شاهمون رو پس نده، ۱۵۰ میلیارد دلار رو برامون بلوکه که نه نگه داره بزرگ شدیم بده بهمون.
هویتشه که بازم تو سفارتخونه اش تو کشورمون نقشه کودتا بچینه برای کمک به خلق الله.
و اشتباه ما بوده که جلوی نابود کردن خودمون رو گرفتیم.
هویتشه که باعث و بانی تحمیل ۸ سال جنگ بما باشه.



سازمان آبان

روایتی از

✍ امید سیاوش پور

دبیر واحد سیاسی جاد گلستان



انقلاب اسلامی دست از مداخله گری در امور داخلی ایران برنداشته و در طول ۹ ماه بین ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۱۳ آبان ۵۸ انواع حرکت های توطئه آمیز در سراسر کشور علیه انقلاب شکل داد که البته کاملا آشکار و مبرهن دست آمریکا در این حوادث دیده می شد.

حضرت امام نیز به خوبی به این مسئله واقف بود و مردم را به هوشیاری در قبال توطئه های آمریکا فرا می خواند، کما اینکه بعدها این آینده نگری حضرت امام به همگان ثابت شد.

در واقع سفارت آمریکا در تهران به صورت یک لانه جاسوسی برای سازمان سیا عمل می کرد که بعد ها با افشای اسناد لانه جاسوسی این حقیقت بیش از پیش آشکار شد.

افشای اسناد لانه جاسوسی در عمل ثابت کرد، نه تنها مبارزه پایان نیافته بلکه این تفکر که انقلاب اسلامی با سقوط رژیم سلطنتی پیروز شده است خیال خام و باطلی بیش نیست؛ چرا که امکان توطئه های خثمانه و تکرار حوادث ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ همچنان وجود خواهد داشت.

تسخیر لانه جاسوسی آمریکا را به یقین رساند که اعمال و رفتارشان در قبال انقلاب اسلامی بدون پاسخ نخواهد ماند و با واکنش ملت ایران رو برو خواهد شد؛ واکنشی که الزاما در چارچوب قوانین بین المللی نیست. همچنین این را اثبات کرد که اگر آمریکا بخواهد در مقابل ملت ایران توطئه ای انجام دهد بدون شک مردم ایران خود در مقابل آنها خواهند ایستاد کما اینکه شهامت و شجاعت ملت ایران به خصوص جنبش دانشجویی نبود هیچ گاه چنین اتفاقات بزرگی رخ نمیداد.

۳۹ سال پیش دانشجویان ایران در اعتراض به توطئه های متعدد آمریکا بر ضد انقلاب اسلامی، سفارت این کشور در تهران را به تسخیر در آوردند.

این روز در واقع روز جوانان انقلابی است که با اقدام های خود دشمن را از هرگونه حرکت باز داشتند.

در تاریخ سیاسی ایران، قیام های بسیاری ضد قدرت های استکباری تجربه شده است که از میان این رویدادها قطعا تسخیر لانه جاسوسی از اهمیت بارزی برخوردار است.

حرکتی که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ با تسخیر سفارت آمریکا آمریکا در تهران آغاز کردند، بی تردید در تاریخ مبارزات ملت های تحت سلطه نقطه عطفی به شمار می رود.

دانشجویان با داشتن تحلیلی دقیق از حوادثی که داشت انقلاب را به انحراف می کشاند و با انجام این حرکت عاقلانه دست به کاری زدند که از نگاه حضرت امام خمینی انقلابی بزرگتر از انقلاب اول بود. لذا برای درک دقیق این رویداد باید ابعاد پیچیده سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن مورد توجه قرار گیرد.

بدون شک این حوادث برای تداوم جنبشی که در سال ۴۲ آغاز شد و در ۲۲ بهمن ۵۷ به پیروزی رسید، حکم حیاتی داشت؛ کما اینکه ملت ایران تجربه تلخ و تاریخی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را در کارنامه خود داشتند.

اما در شکل گیری این رویداد عوامل متعددی دخیل بودند که تقریبا همه این عوامل متاثر از عملکرد آمریکا در قبال انقلاب اسلامی بود.

دولت خبیث آمریکا با وجود پیروزی



✍ مصاحبه کننده:

امیررضا وریج کاظمی

مصاحبه با دبیر اسبق جاد گلستان

سلام می‌کنم به همه ی مخاطب های عزیز و دوست داشتنی نشریه همیاری، خیلی خوشحالم می‌تونم از این طریق با رفقای خوبم صحبت کنم در خدمتونم.

• خب از اول برامون بگو چطور با جاد آشنا شدی؟

خیلی تصادفی با اعضای جاد آشنا شدم من گرایش سیاسیم با اعضای جاد متفاوت بود یه اصلاح طلب دو آتیشه بودم اما بعد از آشنایی با اعضای جاد توی همایش عزت ملی که در تهران برگزار می‌شد شرکت کردم و کلا افکارم به هم ریخت.

• خب چطور شد که جاد رو واسه فعالیت انتخاب کردی؟

من جاد رو انتخاب نکردم، اون موقع یه جمعی شکل گرفته بود که داشت کانون مهدویت رو تاسیس می‌کرد، منم با اون جمع همکاری می‌کردم اما موقع انتخابات احساس کردم جاد بیشتر به حضورم نیاز داره، اوضاع کانون مهدویت بهتر بود تصمیم گرفتم توی جاد فعالیت کنم.

• خب کی دبیر شدی و چرا؟

من سابقه حضور توی شورای سوم رو داشتم و واقعا جاد رو دوست داشتم با اما اونقدر اون روزها مشکل داشتم که به دبیری فکر هم نمی‌کردم اما آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه به نام من دیوانه زدند توفیق اجباری بود که دبیر بشم بچه های شورا لطف داشتن بنده رو به عنوان دبیر انتخاب کردن.

• از تجربه هات برامون بگو.

خیلی طولانه میشه خسته کننده هست.

• خب خلاصه بگو

توی جاد تجربه کردم و فهمیدم مهم نیست نتیجه چی میشه مهم اینکه من چقدر تلاش می‌کنم، یاد گرفتم واسه خواسته هام با تمام توان تلاش کنم و بجنگم اما از شکست نترسم.

• کادرسازی هم داشتی؟

آره تقریبا روی تمام مجموعه ای که با هم کار میکردیم تاثیر گذاشتم البته منم از اونا خیلی چیزها یاد گرفتم اما انرژی زیادی رو صرف توانمند کردن و تربیت تشکیلاتی دو نفر از اعضا کردم که در نهایت در یک مورد احساس میکنم موفق بودم و در مورد دیگه شکست بدی خوردم

• میشه در مورد این دو نفر بگی؟ اول در مورد گزینه ای

که به شکست ختم شد بگو!

در نظر داشتم دبیر خواهران دفتر رو از یه عضو فرمانبر تبدیل کنم به فرمانده و برای حضور شورای مرکزی اتحادیه آماده اشون کنم کار داشت خوب پیش می‌رفت که ناگهان با متن استعفای ایشان مواجه شدم در نظر داشتم تدبیری بکنم که دوباره برگردن اما تا به خودم بجنبم ازدواج کردن کلا از دانشگاه هم رفتن گویا و زحماتم بی فایده بود.

گفت و گو با احسان سلیمانپور، دانشجوی ورودی ۹۳ کارشناسی برق دانشکده فنی و مهندسی الغدیر دانشگاه گلستان، دبیر دوره شورای چهارم جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه گلستان که در حال حاضر به عنوان معاون مالی اتحادیه این تشکل مشغول به فعالیت هستند.



- کی اونوقت ؟
من عاشق خدا ، اولیاء... و ائمه (ع) شدم
- آها اصلا متوجه نشدیم که مخاطب ها رو پیچوندی ،
باور کردیم.
خب دروغ نگفتم.
- ولی همه ی حقیقت رو هم نگفتی.
اصن ولش کن نگو
- به دفتر جاد چی هدیه میدی ؟
نگفتم اسکی رفتین از روی دورهمی !
- خب ما اصن اسکی باز ، چتر باز هرچی تو بگی
الان بگو چی به دفتر میدی؟
سه چهارتا حکم و تقدیرنامه دارم یکیش رو میدم به دفتر
- خسیس
- جمله پایانی که بخوای به مخاطب های همیاری بگی
تشکیلات یه کلاسیه که به آدم ها رو بزرگ میکنه بهشون
توانایی های هدیه میده که هیچ جای دیگه پیدا نمیشه.
حضور توی تشکیلات جاد رو از دست ندید ، لحظه هاتون پر از
حس های خوب، دوستتون دارم...



- من یه کلمه میگم تو در موردش یه جمله کوتاه بگو.
مث خندوانه منظورته؟؟(باخنده)
- آره
- دفتر گلستان
کلبه عشق
- دکتر یغمایی
جزء معدود مسئولای این کشور که اهل کثافت کاری نیست
- حاج آقا جلال
مرد خاکی که میشه ازش هر کمکی گرفت
- دکتر علیزاده
مدیر فرهنگی که دلم ازش تیره است
- میراب
کسی که در حقیقت جهادی کار میکنه
- محمدباقر شریفی
پدر تشکیلاتی
- حسین اخگرپور
فرا تر از رفیق یه مرد واقعی
- سینا مرادحسینی
یه همراه همیشگی ، کسی که خیالت رو راحت میکنه
- سجاد فرهمندپارسا
ارزش انسان به حرف هایی که واسه نگفتن داره
- تقاطع ایتالیا
تا پای چوبه دار نخواهیم گذاشت که خواب آشفته خودفروخته
ها تعبیر شود نبش ایتالیا دفتر جاد خواهد ماند
- حسینه امام خمینی (ره)
جایی که قلبم جامونده
- حسن روحانی
وعده های تو خالی ، امیدهای واهی
- ابراهیم رئیسی
مردی با یاران بد اندیش
- تا حالا عاشق شدی ؟
خب فکر کنم از استدیو خندوانه بلند شدم اومدم توی استدیو
دورهمی
- هرچور دوسداری میتونی فکر کنی اما نمیتونی به
سوالم جواب ندی، عاشق شدی ؟
سوال بعدی لطفا(با لبخند)

حزب الهی نما

✍ فاطمه محسن نژاد

بالای پیراهنشان از فرط مسئولیت رگ گردنشان را زخم می کند. اصلا اهل ریا نیستند و درون پستوهایشان با پستههای متعدد و رانت های همراه آن خلوت می کنند. این آدمهای خیرخواه برای این که باری بر دوش بنده ی دیگر خدا نیفتد به تنهایی چندین و چند سمت متقبل می شوند و به طرز شگفت آوری از عهده همه ی کارها برمی آیند. روغن فکران جدیدا علت توانایی بالای این مردان فولادین را وابسته به ژن خوبشان می دانند.

آن روزگار خیلی ها بین شط کارون و ارونند جا ماندند و این روزها بعضی حزب الهی ها خودشان اینور آوند و خانوادشان آنور آب!

شهید آوینی خلاصه ی حرفم را در یک جمله بیان کرده و گفته: "حزب الهی بودن را با تمام تراژدی هایش دوست دارم" حتی اگر گاهی نیاز باشد بخاطر خربزه ای که عده ای می خورند، حزب الهی ها پای

لرزش بنشینند و هزینه دهند. ریشوی با ریشه باشیم. شاید آرمانهای انقلاب یادمان رفته، آنان که باید مذهبی بمانند، می مانند حتی اگر به هوچی گری، بی سوادی، کم عقلی، تندرو بودن متهم شوند با این حال آرایمر سیاسی نمی گیرند.

این که انتظار دارند حزب الهی بودن در پوشش و ریش و تسبیح خودش را فریاد بزند. مرا یاد سخن گرانقدر شهید مطهری می اندازد، اگر متمدن بودن به برهنگی است قطعا حیوانات متمدن ترین موجوداتند. ایضا عرض می کنم که اگر ظاهر درویش معابانه بارزترین نشانه حزب الهی بودن است، داعشی جماعت قابلیت پیغمبر شدن دارد. به قول امام رحمه الله: (ملاک، حال فعلی افراد است) گذشته هرچه بودیم، بودیم، خواه یار دیرین انقلاب، خواه برصیصای عابد و یا حر بن یزید ریاحی، اینکه اخر عمر یک آدمک پوشالی نباشیم مهم است. کاش روزی سه وعده تکرار کنیم: هیس، حزب الهی ها فریاد نمی زنند.

اگر هیئت دولتی که قرار بود مایه عزت شوند، مایه شرمساری شد....

اگر آنچنان رونق اقتصادی که باید ایجاد میشد، نشد....

اگر آقای وزیر باتحصیلات عالیه شعور صحبت با ملت را ندارد و با تکبر سخن می گوید....

اگر یک ناخوداگاه سرزنش گر مثل پتک می کوید توی سر مبارکت که ای کاش توی پیاده رو ها دیوار می کشیدن لااقل وضعیت جیب ما جور دیگری بود؛ باز با خود تکرار کن به عقب بر نمی گردیم!

بی خود نباید از بیگانه بنالیم، وقتی قشر خاکستری هستیم، اعوذ بالله از عمر سعد شدن! با ورزش نسیمی رنگ عوض می کنیم، دین و آخرتمان را به ملکی می فروشیم، دل می بازیم به بازی رنگها. یک روز دستبند سبز می بندیم و روز دیگر سربند بنفش آری! آنها خوب بلدند از ملت بازی بگیرند.

باری تعالی چه امیدی به انسان خاکی داشت که برای هدایتش ۱۲۴۰۰۰ پیامبر نازل کرد. شاید امیدش به حزب الهی ها بود نه حزب الهی نماها.

حزب الهی سید احمد پلارک بود که پاهایش را روی سنگ های داغ می گذاشت و می گفت: «لذت می برم! می خواهم این عذاب را تحمل کنم تا بفهمم مسئولیت چیست، نمی توانم جواب خدا را بدهم اگر کوتاهی کنم، میخوامم بفهمم یک ذره از عذاب جهنم را!»

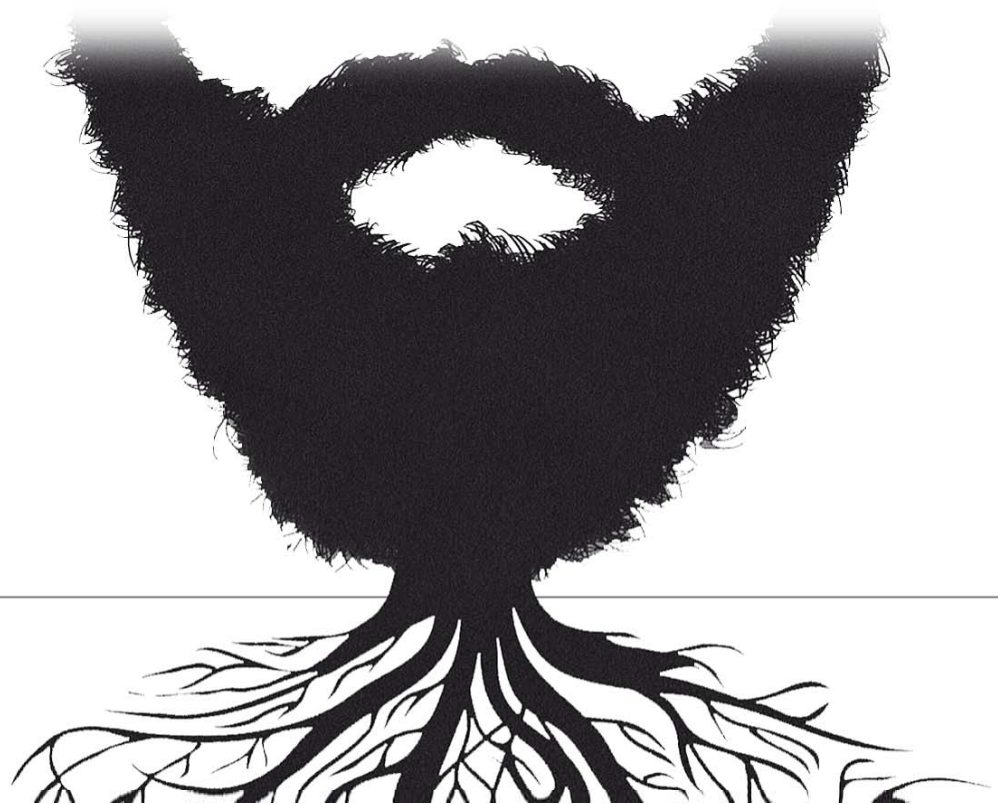
چقدر زیاد شده اند اطرافمان از حزب الهی های بسیار مسئولیت پذیر که دکمه

شنیده ام دوران جنگ هم بین حزب الهی ها دعوا می شد. وقتی زمان نماز فرا می رسید مهدی باکری، مهدی زین الدین و اسدی درگیریشان شروع می شد. همه اصرار می کردند یکی از این سه تا جلو بایستند اما خودشان از زیرش در می رفتند. او به آن حواله می داد، آن یکی به این. بالاخره زور دو تا مهدی می چربید و اسدی را جلو می فرستادند. بعد از نماز هم غذا را خودشان سه تایی برای بچه ها می آوردند و بساط شام را پهن می کردند. نان و ماست. غذایی به سادگی و سلامت خودشان. خلاصه که اون روزا دعوا سر سربند یا فاطمه بود.

اما این روزها بین عده ای که اتفاقا از تشابه فامیلی شان مشخص است نسبتی با شهدا دارند و ظاهرا حزب الهی اند، درگیری اتفاق می افتد.

منتهی بر سر دنیا و منصب هایش. امروز شهدا تنها بر سر زبانند و کلامشان برای سنگین تر کردن وزن نامه های اداری استفاده می شود. کاش بعضی ها یاد بگیرند شهدا سیاسی اند، نه برای سیاسی بازی.

باید خود را توجیه کنی که اگر کسی در جایی از کشور بخاطر صدها دلیل ماورالطبیعه و متافیزیکی و فرا منطقه ای کارش را درست انجام نداد، لابد تمام تلاشش را کرده... حتی اگر دائما آوای رسوایی اش بگوش برسد، مثبت اندیش باشید، آدمیزاد ممکن الخطاست و برخی حزب الهی ها علی برکت الله دائم الخطا هستند.





رهبر انقلاب، در دیدار دانش آموزان و دانشجویان:
به جوانان عزیز چند سفارش دارم،
اول اینکه دشمنی آمریکا را فراموش نکنید و فریب
لبخند دشمن را نخورید.
سفارش دوم اینکه نظریه‌ی «مقاومت در مقابل دشمن
قوی پنجه» را تبلیغ کنید. این نظریه از لحاظ عملی و
نظری درست است.
سفارش سوم اینکه شما جوانان، خود را در قبال
مسئله‌ی پیشرفت کشور مسئول بدانید؛ ترس و تنبلی
را کنار بگذارید و نوآوری را وظیفه‌ی خود بدانید.

مقام معظم رهبری - ۱۲ آبان ۱۳۹۷